

روزی که جهان نوین زاده شد

یک سخنرانی از مائوتسه دون و یک مقاله از آلن بدیو

مترجم: زنجیره





دَر گَندهُ مزار زَنجَرِه می خوانند...

یادداشت مترجم

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، نقطه عطفی بی نظیر در تاریخ بشریت، جایگاه ویژه‌ای در میراث مقاومت علیه نابرابری و استثمار دارد. این رویداد بزرگ، جنبشی را برای ساختن جهانی نو، عاری از سلطه طبقاتی، پایه‌گذاری کرد؛ جهانی که در آن، آرمان دیرینه انسان‌ها برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و بی‌طبقه محقق شود. اما در مقابل این امید، سرمایه‌داری جهانی با قدرت و خوی وحشیانه خود سر برآورد و تلاش کرد این نهال نوپا را ریشه‌کن کند.

در دو متن پیش‌رو، اندیشه‌های دو شخصیت برجسته، آلن بدیو و مائوتسه‌دون، درباره انقلاب اکتبر و پیامدهای آن بازتاب یافته است. بدیو با تأمل بر دستاوردهای این انقلاب، آن را نقطه تلاقی آرمان‌های آزادی و برابری می‌داند و رخدادی ماندگار در تاریخ می‌خواند. همان‌طور که لنین گفته بود، قرن بیستم قرن انقلاب‌های پیروز است. لنین در این جمله بر ضرورت به‌دست گرفتن قدرت دولتی تأکید داشت (و البته سرنگونی آن در تداوم مسیر، که این جسارت نظری و عملی‌اش به مائو سپرده شد). به همین دلیل، آموزه‌های اصلی قرن بیستم نه در قیام‌های شکست‌خورده، بلکه در تجربه انقلاب‌های چین، ویتنام، کره شمالی، کوبا و... خلاصه می‌شود.

ما دیگر در جایگاه لنین قرار نداریم که با جمع‌بندی از شکست کمون پاریس، نظریه‌اش در خصوص چگونگی به‌دست گرفتن قدرت دولتی توسعه داد؛ وظیفه ما جمع‌بندی از انقلاب فرهنگی و کمون شانگهای است. انقلاب فرهنگی، «کمون پاریس» دوران دولت‌های سوسیالیستی است.

مسائلی چون برابری در سازمان کار، صنعتی سازی روستاها، کارگرانی با توانایی های فراتر از تقسیم کار کلاسیک، انترناسیونالیسم در عصر حاضر و نظارت بر دولت، که در زمان مارکس و لنین صرفاً نظری بودند، در چین مائوئیست به آزمون و تجربه گذاشته شدند؛ و این میراث غنی سطح جدیدی از نظریه پردازی را به روی ما گشود.

با مارکس، تدوین اصول در بستر شکست قیام های کارگری ممکن شد؛ با لنین، امکان پیروزی روشن گردید؛ اما هنوز خصیصه واقعا کمونیستی این انقلاب لرزان بود. با مائو آموختیم که چگونه این خصیصه لرزان را سازمان دهی کنیم.

از سوی دیگر، مائوتسه دون انقلاب را نه تنها برای روسیه، بلکه مسیری برای همه ملت ها به سوی آزادی و برابری اجتماعی می دید و الگویی جهانی از مقاومت برای توده ها ارائه کرد. آموزه های مائو نه فقط جمع بندی میراث گذشته، بلکه راهنمایی برای مواجهه با بحران های جهان سرمایه داری معاصر است. ویژگی مشترک لنین و مائو، سوءظن شدیدشان به هرآنچه بود که حزب انقلابی را تحت پوشش قدرت دولتی به سوی بوروکراتیزه شدن و بی اثر شدن می کشاند. برخلاف دیدگاه هایی که جنبش های رهایی بخش را توتالیتیر می نامند، لنین و مائو هر دو مخالف جدی توتالیتاریسم بودند. مائو با پیگیری صحیح تئوری و عمل کمونیستی، راهی را که لنین فرصت تداومش را نیافت، به جلو برد. او تنها رهبر واقعی مارکسیست در جهان پس از مارکس است. اگر لنین زنده بود، احتمالاً راه مائو را در پیش می گرفت.

مائو ایده برنامه ریزی اقتصادی را در حذف تضادهای طبقاتی ناکافی می دانست و آن را دیالکتیکی تر می دید؛ تضادهایی میان روشنفکران و کارگران یدی، شهر و روستا، و ساختارهای حزبی و مردمی. او بر این باور بود که این تضادها تنها با مبارزه قابل حل هستند؛ خواه این روند صد سال طول بکشد، خواه پانصد سال. اما امروزه برخی به

مخالفت با بدی‌ها و افراط‌های سرمایه‌داری بسنده می‌کنند؛ در حالی که مشکل، خود نظام سرمایه‌داری است و این جریان‌های سوسیال‌دموکرات با پذیرش آن، عملاً در انتظار ظهور شکل‌های جدیدی از استثمار سرمایه‌داری می‌نشینند. سرمایه‌داری نشان داده که با بستن یک راه، از راهی دیگر نفوذ می‌کند.

امید است که ترجمهٔ این دو متن، دری هرچند کوچک به روی مبارزه در راه آزادی پرولتاریا بگشاید.

دربارهٔ انقلاب اکتبر روسیه

آلن بدیو؛ ۷ نوامبر ۲۰۱۷

این متن ابتدا به زبان فرانسه و به عنوان بخشی از شماره‌ای ویژه از روزنامهٔ لومانیته دربارهٔ انقلاب اکتبر منتشر شد.

می‌خواهم بر نکته‌ای تأکید کنم که به نظر می‌رسد امروز، پس از پیروزی ظاهری سرمایه‌داری در مقیاس جهانی، فراموش شده است: انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، رخدادی بی‌سابقه در تاریخ نوع بشر است.

در این زمینه، شایسته است که به یاد بیاوریم تاریخ بشریت، در کل، نسبتاً کوتاه است. در حدود ۲۰۰,۰۰۰ سال؛ که در مقایسه با میلیون‌ها سال که دایناسورها بر سیارهٔ ما تسلط داشتند، مدت زیادی نیست. می‌توان گفت که در این دورهٔ کوتاه، عملاً فقط یک «انقلاب» اساسی رخ داده است: انقلاب نوسنگی. این انقلاب به معنای ابزارهای مؤثرتر، کشاورزی ثابت، تثبیت مفهوم مالکیت زمین، سفال‌گری، امکان مازاد غذایی که به طبقهٔ حاکم بیکار هستی بخشید، ایجاد دولت، نوشتار، پول، مالیات، بهبود تجهیزات نظامی (به لطف برنز)، تجارت دوربرد و... است. همهٔ این‌ها به هزاران سال پیش بازمی‌گردد و هنوز هم در همین نقطه باقی مانده‌ایم. حتی اگر تولید صنعتی با پشتیبانی علم مدرن، بسیاری از فرآیندها را تسریع کرده باشد، واقعیت این است که دنیای ما هنوز دنیای دولت‌های رقیب، جنگ‌ها، سلطهٔ یک الیگارشی مالی بسیار کوچک، اهمیت تعیین‌کنندهٔ تجارت بین‌المللی، دست‌اندازی نظامی به مواد اولیه، وجود توده‌های عظیم

چند میلیاردی از مردمانی که تقریباً به طور کامل فقیر هستند و حرکت دائمی توده‌های فقیر از همه مناطق به سوی کلان‌شهرهای شلوغ است، جایی که نقش فرودست را بر عهده می‌گیرند.

فقط در دوره‌ای بسیار دیرنگام، حداکثر چند قرن پیش، مسأله بنیان‌های اقتصادی دولت‌ها به قلب بحث‌های سیاسی راه یافت. از آن زمان، می‌توانیم استدلال کنیم، یا حتی نشان دهیم که همین سازمان اجتماعی ستمگر و تبعیض‌آمیز می‌تواند به‌خوبی خود را با هر شکلی از دولت (قدرت شخصی یا دموکراسی) وفق دهد. یعنی سازمانی که در آن مهم‌ترین تصمیمات دولتی همواره مربوط به حفاظت بی‌حد و حصر از مالکیت خصوصی، انتقال این مالکیت از طریق خانواده و نهایتاً حفظ نابرابری‌های کاملاً هولناک است که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شوند.

سپس ابتکارات انقلابی از نوعی کاملاً متفاوت از آن‌هایی که فقط شکل قدرت سیاسی را زیر سؤال می‌بردند، پدید آمدند. تمام قرن نوزدهم با شکست‌های انقلابی - که اغلب خونین بودند - با چنین گرایشی مشخص شد. کمون پاریس، با سی هزار کشته روی سنگ‌فرش‌های پاریس، همچنان باشکوه‌ترین این فاجعه‌ها باقی می‌ماند.

پس بگذارید بگوییم: در شرایط تضعیف دولت مرکزی مستبد روسیه که به‌طور بی‌پروایانه‌ای خود را درگیر جنگ بزرگ ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ کرده بود؛ در پی یک انقلاب دموکراتیک اول (فوریه ۱۹۱۷) که این دولت را سرنگون کرد؛ با طبقه کارگر جوان در حال شکل‌گیری و بسیار متمایل به شورش و بدون اتحادیه‌های محافظه‌کار برای مهار آن؛ تحت رهبری حزب بلشویک که سازمان‌دهی‌اش به‌ظاهر بی‌رحمانه بود و با لنین و تروتسکی که هم فرهنگ مارکسیستی قوی و هم تجربه طولانی مدت مبارزاتی داشتند که

از درس‌های کمون پاریس ملهم بود؛ با تلفیق همه این‌ها در اکتبر ۱۹۱۷، اولین انقلاب پیروز در تمام تاریخ بشر، پس از انقلاب نوسنگی به وقوع پیوست.

این به معنای انقلابی بود که قدرتی را بنیان نهاد که هدف اعلام‌شده‌اش، سرنگونی کامل بنیادهای هزاران ساله تمام جوامع «مدرن» بود: دیکتاتوری پنهان کسانی که مالک کنترل مالی تولید و مبادله هستند. این انقلابی بود که به پایه‌گذاری مدرنیته‌ای جدید انجامید و اسم عام این نوآوری مطلق - و به نظر من، همچنان این‌گونه است - «کمونیسم» بود. مردمان از همه اقصای در سراسر جهان، از توده‌های کارگر و دهقان تا روشنفکران و هنرمندان، این انقلاب را با نام «کمونیسم» شناختند و با اشتیاق خوش‌آمد گفتند که با انتقامی که این انقلاب پس از شکست‌های سخت قرن گذشته نمایندگی می‌کرد، متناسب بود. اکنون لنین می‌توانست اعلام کند دوران انقلاب‌های پیروزمند فرا رسیده است.

صرف‌نظر از دگرگونی‌های بعدی این ماجراجویی بی‌سابقه و صرف‌نظر از وضعیت کنونی که در آن محافل نوسنگی معاصر دوباره امور را در دست گرفته‌اند، انقلاب کمونیستی اکتبر ۱۹۱۷ همچنان مبنای ما برای این است که بدانیم در زمانه پیشرفت بشریت، سرمایه‌داری حاکم، چیزی متعلق به گذشته است و همیشه خواهد بود. به‌رغم آن‌که ظواهر امر، گذرا است.

سخنرانی در جلسه جشن مسکو

مائوتسه دون؛ ۶ نوامبر ۱۹۵۷

سخنرانی در نشست مشترک دو شورای شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی (شورای اتحادیه و شورای ملیتها) به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اکتبر؛ برگرفته از مجله پپلز چاینا، پکن، ۱ دسامبر ۱۹۵۷ /

رفقای عزیز؛

به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، من و دیگر اعضای هیئت چینی، به نمایندگی از کنگره ملی خلق و شورای دولتی جمهوری خلق چین، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و همه مردم و اعضای حزب کمونیست چین، این افتخار را داریم که گرمترین تبریکات برادرانه خود را به مردم، دولت و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بزرگ (تشویق پرشور)، و به همه رفقا و دوستان حاضر در این جا تقدیم کنیم. (تشویق پرشور).

همان طور که معلم انقلابی ما لنین بارها تأکید کرده است، انقلاب بزرگی که چهل سال پیش توسط خلق شوروی انجام شد، عصر جدیدی را در تاریخ جهان آغاز کرد.

در تاریخ، انقلاب های بسیاری از انواع مختلف صورت گرفته اند، اما هیچ یک قابل مقایسه با انقلاب سوسیالیستی اکتبر نیست.

برای هزاران سال، توده‌های زحمتکش جهان و تمام انسان‌های پیشرو، رؤیای ساختن جامعه‌ای را داشتند که در آن استعمار انسان از انسان وجود نداشته باشد. این رؤیا برای نخستین بار در تاریخ، بریک‌ششم از سطح زمین با انقلاب اکتبر محقق شد. این انقلاب ثابت کرد که بدون زمین‌داران و بورژوازی، توده‌ها کاملاً توانایی دارند که زندگی آزاد و شاد جدیدی را به صورت برنامه‌ریزی شده بسازند. همچنین ثابت کرد که ملت‌های مختلف جهان، بدون سرکوب امپریالیستی، کاملاً توانایی دارند که به‌طور دوستانه کنار یکدیگر زندگی کنند.

در چهل سال گذشته، خلق شوروی راه سختی را پیموده‌اند. امپریالیست‌ها از هر طریقی تلاش کردند که نخستین جمهوری سوسیالیستی جهان را نابود کنند. دشمنان اتحاد جماهیر شوروی برای مدتی قوی‌تر از شوروی به نظر می‌رسیدند و دو بار حملات مسلحانه علیه آن به راه انداختند؛ اما خلق شجاع شوروی، به رهبری حزب کمونیست باشکوه خود، حملات مهاجمان را به‌طور کامل در هم کوبید. (تشویق.)

اتحاد جماهیر شوروی شکست‌ناپذیر است، زیرا کشوری است که در آن نظام سوسیالیستی جایگزین نظام سرمایه‌داری و دیکتاتوری پرولتاریا جایگزین دیکتاتوری طبقات استعمارگر شده است؛ کشوری که نیروهای تولید اجتماعی خود را با سرعتی توسعه می‌دهد که کشورهای سرمایه‌داری قادر به آن نیستند؛ و کشوری که واقعاً اترناسیونالیسم پرولتری را اجرا می‌کند، با ستم ملی به‌طور واقعی مخالفت کرده و به ملت‌های تحت ستم برای آزادی خود کمک می‌کند. چنین کشوری از حمایت پرشور تمام خلق خود و خلق‌های تمامی کشورهای جهان برخوردار است. اتحاد شوروی به درجه‌ای از این دو نوع حمایت دست یافته که در تاریخ ملت‌ها بی‌سابقه است.

چهره اتحاد جماهیر شوروی در چهل سال گذشته کاملاً تغییر کرده است. پیش از انقلاب، روسیه از نظر اقتصادی و فنی نسبتاً عقب مانده بود. اکنون اتحاد شوروی به یکی از قدرت‌های صنعتی درجه یک جهان تبدیل شده است. استانداردهای زندگی خلق شوروی به طور پیوسته در حال افزایش است. مقیاس توسعه نهادهای آموزشی، علمی و فرهنگی در اتحاد شوروی بسیار از کشورهای سرمایه‌داری فراتر رفته است. اتحاد شوروی نخستین نیروگاه اتمی جهان را تأسیس کرد، نخستین گروه از هواپیماهای مسافربری جت و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را ساخت و نخستین و دومین ماهواره‌های مصنوعی جهان را به فضا فرستاد. کل جهان اذعان دارد که موفقیت اتحاد شوروی در پرتاب ماهواره‌های مصنوعی به دفعات، عصری نوین را در تسخیر طبیعت توسط انسان گشوده است. نه تنها خلق شوروی، بلکه پرولتاریای جهانی و تمامی بشریت می‌توانند به همه این دستاوردها افتخار کنند. (تشویق). تنها تعداد اندکی از مرتجعان از این دستاوردها ناراضی هستند.

کاربرد خلاقانه مارکسیسم-لنینیسم توسط حزب کمونیست اتحاد شوروی در رویارویی با وظایف عملی، موفقیت پیوسته‌ای را در کار ساخت و ساز خلق شوروی تضمین کرده است. برنامه مبارزاتی ساخت کمونیسم در اتحاد شوروی که توسط بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه شد، نمونه خوبی است. تدابیر خردمندانه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه‌های غلبه بر کیش شخصیت، توسعه کشاورزی، بازسازی مدیریت صنعت و ساخت و ساز، گسترش قدرت جمهوری‌ها و سازمان‌های محلی اتحادیه، مخالفت با گروه ضدحزبی، تحکیم وحدت درون حزب و بهبود کارهای حزبی و سیاسی در ارتش و نیروی دریایی اتحاد شوروی، بدون شک موجب تقویت و توسعه بیشتر تمامی تلاش‌ها در اتحاد شوروی خواهد شد.

خلق‌های سراسر جهان شروع کرده‌اند آینده خود را در موفقیت‌های کسب‌شده توسط خلق شوروی، به‌وضوح بیشتری ببینند. در اصل، مسیر اتحاد جماهیر شوروی، مسیر انقلاب اکتبر، راه روشن مشترک برای پیشرفت همه بشریت است. (تشویق پرشور.)

توده‌های خلق در سراسر جهان چهلمین سالگرد انقلاب اکتبر را به‌گرمی جشن می‌گیرند، زیرا تاریخ چهل سال گذشته به آن‌ها ثابت کرده است که پرولتاریا قطعاً بورژوازی را شکست خواهد داد، سوسیالیسم قطعاً بر سرمایه‌داری پیروز خواهد شد و ملت‌های تحت ستم قطعاً امپریالیست‌ها را شکست خواهند داد. البته، توده‌ها هنوز با دشواری‌ها و فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو هستند؛ اما لنین ۳۶ سال پیش به‌درستی گفت: «مهم این است که یخ شکسته شده است، راه باز است و مسیر گشوده شده است.» (تشویق پرشور.)

انقلاب توده‌ای به رهبری حزب کمونیست چین همواره بخشی از انقلاب سوسیالیستی جهانی پرولتاریا بوده است که توسط انقلاب اکتبر آغاز شده است. انقلاب چین ویژگی‌های ملی خود را دارد و در نظر گرفتن آن‌ها کاملاً ضروری است؛ اما در انقلاب و ساخت‌وساز سوسیالیستی خود از تجربیات ارزشمند حزب کمونیست و خلق اتحاد شوروی به‌طور کامل بهره گرفته‌ایم. خلق چین خوش‌شانس است که تجربیات انقلاب اکتبر و ساخت‌وساز سوسیالیستی در اتحاد شوروی را در اختیار دارد. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد اشتباهات کمتری داشته باشند، از بسیاری چیزها اجتناب کنند و هدف خود را نسبتاً به‌طور هموار دنبال کنند، اگرچه هنوز با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند.

روشن است که پس از انقلاب اکتبر، اگر یک انقلابی پرولتر در هر کشوری تجربیات انقلاب روسیه، دیکتاتوری پرولتاریا و ساخت‌وساز سوسیالیستی اتحاد شوروی را نادیده بگیرد یا به‌طور جدی مطالعه نکند و نتواند این تجربیات را به‌طور تحلیلی و به شکلی خلاقانه در پرتو شرایط خاص کشور خود به کار گیرد، بر لنینیسم تسلط نخواهد یافت.

لنینیسم مرحله جدیدی در توسعه مارکسیسم است. هر که آن را به خوبی مطالعه نکند، قادر به حل مسائل انقلاب و ساخت و ساز در کشور خود به طور صحیح نخواهد بود. او یا اشتباهات دگماتیک خواهد کرد، یا اشتباهات رویزیونیستی. ما باید هر دو این انحرافات را هم‌زمان رد کنیم، اما در حال حاضر، مخالفت با انحراف رویزیونیستی یک وظیفه به‌ویژه فوری است.

همچنین روشن است که از زمان انقلاب اکتبر، هر حکومتی که از دوستی با اتحاد شوروی امتناع ورزد، فقط به منافع واقعی خلق خود آسیب می‌زند. (تشویق طولانی و پرشور.)

در جهان امروز، یک سری از کشورهای اروپایی و آسیایی با جمعیتی بیش از ۹۰۰ میلیون نفر، با موفقیت مسیر انقلاب اکتبر را در پیش گرفته‌اند و یک سیستم نیرومند سوسیالیستی جهانی را تشکیل داده‌اند. سرمایه‌داری برای مدتی برتری خود را از دست داده است و سوسیالیسم شکست‌ناپذیر شده است.

در نهایت، سیستم سوسیالیستی جایگزین سیستم سرمایه‌داری خواهد شد. این یک قانون عینی است که مستقل از اراده مرتجعین است. مهم نیست که مرتجعین چقدر تلاش کنند تا پیشرفت چرخ تاریخ را متوقف کنند، انقلاب دیر یا زود رخ خواهد داد و قطعاً پیروز خواهد شد. (تشویق طولانی و پرشور.) «برای بلند کردن سنگ، به پای خود ضربه‌زدن» یک مثل چینی است که کارِ احمق‌ها را توصیف می‌کند. مرتجعین هر کشور همان احمق‌ها هستند. آزار و اذیت خلق‌های انقلابی تنها به برافروختن توده‌ها برای انقلابی وسیع‌تر و شدیدتر منتهی خواهد شد. (تشویق پرشور.) آیا آزار و اذیت توده‌های انقلابی خلق توسط تزار روسیه و چیانگ کای‌شک، دقیقاً به تحریک انقلاب‌های بزرگ روسیه و چین کمک نکرد؟

همان‌طور که امپریالیست‌ها سرنوشت خود را به سرکوب توده‌ها در داخل کشورها و در کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره پیوند زده‌اند، به جنگ نیز امیدوارند. اما از جنگ چه می‌توانند انتظار داشته باشند؟ در نیم‌قرن گذشته، ما دو جنگ جهانی را تجربه کرده‌ایم. پس از جنگ جهانی اول، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه رخ داد و پس از جنگ جهانی دوم، انقلاب‌های بیشتری در اروپا شرقی و شرق روی داد. اگر جنگ‌طلبان امپریالیست مصمم به آغاز جنگ جهانی سوم باشند، هیچ نتیجه‌ای جز پایان سیستم سرمایه‌داری جهانی نخواهند داشت. (تشیویق پرشور).

دولت‌ها و توده‌های کشورهای سوسیالیستی سازندگان زندگی جدید و صلح‌آمیز هستند. ما به هیچ‌وجه جنگ نمی‌خواهیم و به‌طور قاطع مخالف یک جنگ جهانی جدید هستیم. اتحاد شوروی، چین و سایر کشورهای سوسیالیستی به‌طور پیوسته برای کاهش تنش‌های بین‌المللی تلاش کرده‌اند. پیشنهادات مکرر اتحاد شوروی برای خلع سلاح و ممنوعیت تولید، استفاده و آزمایش سلاح‌های کشتار جمعی، نمایانگر موضع مشترک کشورهای سوسیالیستی است و هم‌زمان با منافع تمام ملت‌ها نیز همخوانی دارد. ما به‌طور قاطع از رقابت مسالمت‌آمیز بین کشورهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری حمایت می‌کنیم و برای حل مسائل داخلی هر کشور توسط خلق خود و مطابق با خواسته‌هایشان ایستاده‌ایم. ما به‌طور قاطع بر این نظر هستیم که تمام ملت‌ها باید اصول معروف پنجگانه احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم تعرض، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، برابری و منافع متقابل، و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را رعایت کنند.

امپریالیست‌های آمریکا به‌طور سرسختانه‌ای سعی دارند در امور داخلی کشورهای دیگر، از جمله کشورهای سوسیالیستی، مداخله کنند. به‌طور مثال، آن‌ها در حال مداخله در آزادی تایوان توسط چین هستند و شورش‌های ضدانقلابی در مجارستان را مهندسی کردند. آن‌ها به‌ویژه در مداخله در امور داخلی کشورهای واقع در منطقه‌ی بین‌ایالات

متحده و اردوگاه سوسیالیستی شدیداً پرخاشگر هستند. آمریکا هنوز هم در حال برنامه‌ریزی برای حمله به سوریه مستقل، از طریق ترکیه یا اسرائیل است و هنوز در حال توطئه برای سرنگونی دولت ضد استعماری مصر است. این سیاست تهاجمی دیوانه‌وار آمریکا نه تنها بحران در خاورمیانه را تشدید کرده است، بلکه خطر یک جنگ جهانی جدید را نیز ایجاد کرده. تمام خلق‌های جهان که عاشق صلح و آزادی هستند، از سوریه حمایت می‌کنند و با متجاوزان آمریکا و ترکیه مقابله می‌کنند، همان‌طور که سال گذشته در اکتبر از مصر حمایت کردند و در مقابل متجاوزان بریتانیا، فرانسه و اسرائیل ایستادند. دولت شوروی به آمریکا و ترکیه هشدار داده است که فوراً طرح تهاجمی خود را کنار بگذارند. دولت و خلق چین قاطعانه از سوریه در مبارزه‌اش برای دفاع از خود حمایت می‌کنند و به‌طور قاطع موضع عادلانه اتحاد شوروی را تأیید می‌کنند. (تشویق طولانی و پرشور.)

گرگ‌های امپریالیست باید به‌خاطر بسپارند، آن زمان که می‌توانستند سرنوشت بشریت را دست‌کاری کنند و کشورهای آسیایی و آفریقایی را طبق میل خود تقسیم کنند، برای همیشه به پایان رسیده است.

امپریالیست‌های آمریکایی تلاش کرده‌اند و همچنان تلاش می‌کنند تا آزادی خلق چین را تضعیف کنند؛ اما در نهایت نتوانستند از توسعه مسیر سوسیالیسم توسط ششصد میلیون خلق چین جلوگیری کنند. (تشویق.) در مدت زمان کوتاه هشت سال، چین نتایج چشمگیری در زمینه‌های مختلف ساخت و ساز به‌دست آورده است که در گذشته طی صد سال نتوانسته بود به آن‌ها دست یابد. در چین، تعدادی از راست‌گرایان بورژوا تلاش می‌کنند تا در برابر مسیر سوسیالیسم ایستادگی کنند و مخالف جایگاه پیشرو حزب کمونیست در زندگی ملی و اتحاد نزدیک چین با اتحاد شوروی و سایر کشورهای

سوسیالیستی هستند. تلاش‌های بی‌ثمر آن‌ها به‌طور کامل توسط ضدحملهٔ خلق در سراسر کشور ما شکست خورده است. (تشویق.)

خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست در حال اجرای یک کمپین اصلاحی پرانرژی هستند تا سوسیالیسم را در چین به سرعت و بر مبنای محکم‌تری توسعه دهند. این یک کمپین برای حل درست تناقضاتی است که در واقع در میان خلق وجود دارند و باید فوراً حل شوند، از طریق یک بحث سراسری که هم هدایت‌شده و هم آزاد است. این بحث سراسری در مناطق شهری و روستایی پیرامون مسائلی همچون راه سوسیالیستی و راه سرمایه‌داری، سیستم‌های اساسی و سیاست‌های عمده دولتی، سبک کار حزب کمونیست و مقامات دولتی، و رفاه مردم انجام می‌شود، بحثی که با ارائهٔ شواهد و استدلال پیش می‌رود. این یک کمپین سوسیالیستی خودآموزی و خودسازی از سوی خلق است و در آن موفقیت‌های بزرگی تاکنون به دست آمده است. آگاهی سوسیالیستی خلق به سرعت افزایش یافته، ایده‌های نادرست روشن شده، کاستی‌ها در کار برطرف شده، وحدت در میان صفوف خلق تقویت شده و انضباط کاری و بهره‌وری در هر جایی که این کمپین اجرا شده افزایش یافته است. (تشویق.) اکنون ما این کمپین خودآموزی توده‌ها را به تدریج و مرحله به مرحله در میان ششصد میلیون نفر از خلق خود پیش می‌بریم و احتمالاً در چند ماه آینده موفقیت سراسری به دست خواهد آمد. در آینده قصد داریم هر سال یا هر دو سال یکبار یک کمپین اصلاحی برگزار کنیم - زمان آن می‌تواند به‌طور چشمگیری کاهش یابد - به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی حل تناقضات اجتماعی مختلف در کشورمان در طول دورهٔ انتقال. نقطه شروع اصلی در پیاده‌سازی این روش، اعتماد راسخ به این است که اکثریت خلق در نهایت در کنار ما هستند و به دلیل‌های منطقی گوش خواهند داد. این نکته با تمام تجربیات ما در این کمپین اثبات شده است.

در سال‌های بسیاری که عمل انقلابی داریم، روش کمپین اصلاحی را مطابق با اصول لنینیستی حفظ ارتباط نزدیک با خلق، شناسایی ابتکار خلق و انجام انتقاد و خودانتقادی توسعه داده‌ایم. درستی این روش دوباره توسط حرکت خودآموزی سوسیالیستی کنونی اثبات شده است.

چین در بسیاری از زمینه‌ها از اتحاد شوروی کمک برادرانه‌ای برای ساخت سوسیالیستی خود دریافت کرده است. در جشن چهل‌امین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر، لطفاً به ما اجازه دهید که از صمیم قلب از حزب کمونیست، دولت و خلق اتحاد شوروی بابت کمک‌های دوستانه‌ای که به چین کرده‌اند، قدردانی کنیم. (تشویق طولانی و پرشور.)

بلافاصله پس از تأسیس، جمهوری خلق چین معاهده‌ای از دوستی، اتحاد و مساعدت متقابل با اتحاد شوروی امضا کرد. این یک اتحاد بزرگ از دو کشور بزرگ سوسیالیستی است. ما همان سرنوشت و همان منبع حیات را با اتحاد شوروی و تمام اردوگاه سوسیالیستی به اشتراک می‌گذاریم. (تشویق پرشور.) ما آن را به‌عنوان وظیفه بین‌المللی مقدس تمام کشورهای سوسیالیستی می‌دانیم که اتحاد کشورهای سوسیالیستی تحت رهبری اتحاد شوروی را تقویت کنیم. (تشویق.)

تمامی ابزارهای ممکن برای ایجاد تفرقه توسط قدرت‌های امپریالیستی به رهبری ایالات متحده در تلاش‌هایشان برای برهم زدن دوستی و همبستگی کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد شوروی استفاده می‌شود؛ اما واقعیت قطعاً امپریالیست‌ها را ناامید خواهد کرد. کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد شوروی از هر زمان دیگری متحدتر هستند. از آغاز تاریخ، روابط میان ملت‌ها هرگز بر اساس چنین هویت مشترک منافع، احترام و اعتماد متقابل، و چنین مساعدت و الهام متقابل مانند روابط میان کشورهای

سوسیالیستی نبوده است. آن هم به این دلیل که کشورهای سوسیالیستی از نوعی کاملاً جدید هستند که در آن طبقات استثمارگر سرنگون شده و طبقه کارگر در قدرت است. اصول یکپارچگی انترناسیونالیستی با میهن پرستی در روابط میان این کشورها به کار گرفته شده است. ما شدیداً به منافع و آرمان‌های مشترک خود پیوسته‌ایم. مارکس در سخنرانی افتتاحیه اتحادیه انترناسیونال کارگران گفت: «تجربه گذشته نشان داده است که چگونه بی‌توجهی به آن، پیوند برادرانه‌ای که باید بین کارگران کشورهای مختلف وجود داشته باشد و آن‌ها را ترغیب کند که در تمامی مبارزات خود برای رهایی، به یکدیگر استوار بایستند، تنها به شکست مشترک تلاش‌های پراکنده‌شان منجر خواهد شد.» این آموزه مارکس بیش از نود سال پیش برای ما هرگز کهنه نخواهد شد. (تشویق.)

رفقای عزیز، این که نمایندگان طبقه کارگر و توده‌های خلق کشورهای مختلف جهان امروز در این نشست بزرگ شورای عالی اتحاد شوروی که به مناسبت چهل مین سالگرد انقلاب اکتبر برگزار شده است حضور دارند، خود نشان‌دهنده همبستگی عظیم نیروهای خلقی جهان و نماد وضعیت شکوفای جنبش بین‌المللی سوسیالیستی است. بیایید تلاش‌های خود را برای تقویت همبستگی کشورهای سوسیالیستی و توده‌های کارگر و ملت‌های تحت ستم جهان ادامه دهیم تا به پیروزی‌های جدید و بزرگ‌تری دست یابیم. (تشویق طولانی و پرشور.)

زنده باد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر! (تشویق طولانی و پرشور). زنده باد همبستگی و دوستی کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد شوروی! (تشویق طولانی و پرشور).

زنده باد پرچم بزرگ انترناسیونالیستی مارکسیستی-لنینیستی! (تشویق طولانی و پرشور).

پرولتاریا و توده‌های صلح طلب جهان، متحد شوید! (تشویق طولانی و پرشور).



ما را در تلگرام دنبال کنید @zanjarehh